

اسوه فقه پژوهان

<?xml encoding="UTF-8">

بی گمان ، دگرگونی پر شتاب امروزین زندگی بشر ، انبوه پرسش هایی را که حوزه باید پاسخ گوی آن ها باشد ، فرا روی حوزویان نهاده است .

امروز ، تمامی عرصه زندگی فرهنگی ، اجتماعی انسان و هر آنچه در ایجاد جامعه ای توحیدی و اسلامی لازم است ، در قلمرو پژوهش متولیان دین قرار دارد . هم باید در تدوین تئوری ها و دستمایه های اصلی همت گماشت و هم برای همسان سازی آن ها با نو پیداهای و رخدادهای مکانی و زمانی تلاش ورزید و این همه ، در سایه ارزش دادن به تحقیق در نظام آموزشی حوزه است .

شکی نیست که حوزه از لحاظ محتوا و مایه های علمی ، کمبودی ندارد . پیشینیان شایسته ما ، با توانایی های محدود و در اختیار داشتن نیمی از عرصه زندگی انسان ها ، در میدان تحقیق و پژوهش حماسه آفریدند و با ژرفکاری خویش ، ژرفا و مایه وری و توانمندی فقه شیعه را نمودند و آثار گرانبهائی از خود به یادگار گذاشتند . اکنون که با استقرار نظام مقدس اسلامی ، امکان انجام این مسئولیت سنگین ، بیش از پیش ، در تمامی زمینه ها فراهم گشته ، باید تحقیق را در حوزه در صدر اندوخته های فقه شیعه ، آسان گردد و حوزه ، به آن جا برسد که پاسخ گویی تمامی نیازهای عصر خویش باشد .

این جاست که شناخت فقیهان محقق ، نوآور ، ژرف اندیش و زمان شناس ضرورت می یابد . فقیهانی که در روزگار خویش ، در عرصه فقاقت طرحی نو در افکندند ، دگرگونی جدید آفریدند و سر فصلی دیگر بر میراث فقهی شیعه گشودند و در تحقیق و اجتهاد صاحب مکتب شدند .

بایسته است حوزویان ، چنین فقیهانی را نیک بشناسند و از راه و رسم آنان بهره گیرند و آنان را الگوی خویش سازند .

محقق اردبیلی ، با دید ژرف ، آگاهی های گسترده ، مهارت و تسلط بر دیدگاه فقیهان و مبانی اندیشه آنان ، دقت نظر در فهم آیات و احادیث ، به کار گیری ، منطق و استدلال و ... در نزد فرهیختگان جامعه اسلامی جایگاه والایی یافت ، تا آن جا که خواص ، وی را محقق خواندند ، عنوانی که فرهیختگان حوزه ، در دادن آن به افراد بسیار دقیق هستند و باریک بین اند کند و انگشت شمار ، آنان که به این عنوان مفتخر شده اند .

علامه مجلسی درباره آثار وی ابراز می دارد :

" و کتبه فی غایة الدقة و التحقيق (1) " .

و شیخ اسدالله تستری او را چنین می ستاید :

" الفاتح لآبواب غوامض الافکار و دقائق الانظار " التي لم یحوها قبله نطاق البیان (2) " .

دقت نظر محقق اردبیلی و توانایی وی در گشودن پیچیدگی ها و دشواری های فکری و نقد و بررسی دقیق دیدگاه ها و اندیشه ها ، بزرگانی را در فقه واداشت تا راه و روش او را الگوی خود سازند و به پیروان مقدس اردبیلی مشهور شوند : " اتباع المقدس " .

شخصیتی که استوانه های فقه ، چون صاحب جواهر ، شیخ اعظم انصاری و ... را متوجه آراء و اندیشه های خویش ساخت و فقیهان نامور ، توانا و همه سونگری ، چون آیه الله بروجردی و امام خمینی را تحت تاثیر اندیشه های فقهی و راه و روش اجتهادی خویش قرار داد ، به گفته مقام معظم رهبری : لازم است صد فقیه در حوزه

بنشینند و اندیشه های فقهی او را بررسی کنند .

آری ، چنین انسان فرهیخته و والایی ، شایسته است اسوه فقه پژوهان قرار گیرد . نکته مهم این که اردبیلی ، بیش از آن که در میان خواص به محقق بودن معروف باشد ، به قدس و تقوا شهره عام و خاص است . او ، در قدس و تقوا و پروا در زندگی ضرب المثل است . بنابراین ، چنین شخصیتی را نمی توان به سهل انگاری ، بی پروایی در ارائه نظر و فتوا متهم کرد ، همان گونه که نمی توان او را به کم دانشی و کم مایگی متهم ساخت . او ، در عصر خویش ، رئیس حوزه بزرگ نجف بود و در دانش سر آمد . دانش قوی و بی همتایی وی ، در زهد و تقوا ، این احساس را در بسیار بوجود آورده بود که بی درك محضر او ، راه به جای نخواهند برد ؛ از این روی برای بهره بردن از خرمن فیض او ، از دور و نزدیک ، به نجف رخت می کشیدند به محضر او شرفیاب می شدند .

" لانه الرئيس في ذلك العصر و من يشد اليه الرحال (3) " .

بنابراین ، چنین فرزانه ای ، اگر طرحی نو در باب تحقیق در فقه افکند ، یا دری به روی محققان گشود و یا بر مبانی و اصولی ویژه تکیه زد و ...

شایسته است که در آن ها بیشتر دقت شود و با دیدی تیز و اندیشه ای ژرف ، از هر زاویه ای مطالعه شوند ، تا راه و روشی ماندگار و کار ساز به دست آید .

محقق توانا توانایی محقق حوزوی ، تنها در گردآوری دلیل ها و گفته های بزرگان نیست که این کند و کاو است و مقدمه تحقیق .

توانمندی محقق را در طرح همه مسائل فقهی نمی توان ارزیابی کرد ؛ چرا که پاره ای از آن ها ، به خاطر روشن بودن مبانی ، نیاز به دقت و اعمال نظر ندارند . طرح چنین مسائلی ، تکرار سخن دیگران خواهد بود و افزودن " ان قلت " و یا " الاحوطی " بر آن .

توانایی محقق فقیه را باید در چگونگی نقد و بررسی دیدگاه ها و به هنگام حل ناسازگاری و ناهمخوانی دلیل ها ، سنجید .

توانائی فقه را باید در حل آن دسته از مسائلی دید که بزرگان فقه ، از حل آن ها و گزیدن رای نهایی درمانده اند . قوت محقق را باید در پیمودن راه های نارفته و مسائل نو پیدا و یا کم سابقه فقهی دید .

محقق اردبیلی ، براستی محقق قوی و نیرومند و جای جای آثار ارزشمند او ، بویژه دو اثر : مجمع الفائده و البرهان و زبدة البیان آکنده از نمونه هایی هستند که گواه بر توانایی او در تحقیق و ژرف نگری ، از جمله :

1 . پرداختن به گزاره های دشوار و مورد نیاز : بر راه هموار رفتن کار دشواری نیست ، پا در سنگلاخ نهادن و راه های ناپیموده را پیمودن ، کاری است ، کارستان . با پتك تحقیق راه بر دیگران گشودن ، توانایی می طلبد . نیاز را دیدن و تحقیق را در جهت پاسخ گویی بدان قرار دادن هنر است .

محقق اردبیلی کسی است که در این عرصه توانایی خود را به خوبی نمایانده است :

الف . او ، گزاره گویی و دراز نویسی را خوش ندارد . تنها آن جایی بر این روش می رود که مشکلیب موضوع آن را بدان سو بکشانند . در بحث قبله ، آن گاه که سخن به درازا می کشد ، می نویسد :

" فتامل فان المسالة من مشكلات الفن و لهذا طولنا فيها الكلام (4) . "

ب . اگر در موردی ، دیگران حق سخن را ادا کرده اند ، گفتنی ها را گفته اند .

و او حرفی نو برای گفتن ندارد ، از آن صرف نظر می کند و یا به حد ضرورت ، بسنده می کند .

در بحث "عول و تعصیب" می نویسد :

اصحاب ما ، در اثبات باطل بودن این دیدگاه ، سخن به کمال و تمام گفته اند ، نیازی به طرح آن نیست ، مگر به اندازه ای که ترتیب مباحث کتاب رعایت شود .

" ذکر ان الاصحاب رحمهم الله اشبعوا البحث عن الكلام في ابطالهما و اثبات الحق خلافهما عقلا و نقلا فلا

يحتاج الى شيء اصلا الا انا نحن ايضا نشير الى بعض منها لئلا يخلو الكتاب عنه (5) "

درباره دو شاگرد برجسته وی : شیخ حسن صاحب معالم و صاحب مدارك نوشته اند که این دو نیز در این جهت ، بسان استاد خویش بوده اند ، اگر یکی از آن دو در موضوعی تحقیق می کرد و گفتنی ها را می گفت ، دیگری از تحقیق و دوباره کاری دوری جسته و به موضوعی دیگر می پرداخت و افراد را در این مساله ، به کسی که تحقیق کرده بود ، رجوع می داد (6) .

ج . چون فقه را دستور العمل زندگی می داند ، اگر برای موضوعی ، به هر دلیلی ، نقش عملی نبیند و یا ثمره اش را اندك بداند ، بدان نمی پردازد ؛ مثلا ، در بحث جهاد ، چون جهاد ابتدایی را بسته به اذن امام معصوم (ع) می داند ، تنها به آن قسم از مسائلی می پردازد که در زمان غیبت امام معصوم نیز ، ثمره ای داشته باشد . در این باره می نویسد :

" و اعلم ان اكثر مسائل هذا الكتاب انما تقع مع حضور الامام (ع) ، اما متعلق بنفسه او باصحابه ، فلا يحتاج الى العلم به ، و تحقیقه ، و لهذا ما نشرح في هذا الكتاب الا قليلا ، من حل بعض ما فيه ، و ما يتعلق بزمان الغيبة ، و ما له فائدة عائدة الى اهله ، اختصارا على ما له الفائدة و المحتاج اليه ، و الامور الضرورية قلة البضاعة (7) " .

در منطق تحقیقی اردبیلی ، نیاز زمان ، مفید بودن برای مردم ، معیار است ، نه این که خود تحقیق ، به خودی خود ، ارزش باشد و این که چون ثمره علمی دارد ، ارزش تحقیق و وقت گذرانی دارد ، هر چند موضوع های مورد نیاز بر جای مانده فراوان باشد !

بنابراین ، جهت دار بودن تحقیق ، به معنای عام قضیه ، در آثار اردبیلی ، جایگاه ویژه ای دارد . این نشان دهنده توانایی او در تحقیق است .

2 . نقاد بودن : آن که ، به هر چیز ، به دیده نقد می نگرد و در هر موضوعی ، تردید و شبهه را روا می دارد و از کنار هر دیدگاهی و هر ادعایی ، هر چند مشهور از بزرگان بر آن باشند ، به سادگی نمی گذرد ، بلکه درنگ می کند و به بررسی و تحقیق می پردازد ، توانایی او را در تحقیق می رساند .

از نگاه محققانه اردبیلی ، کمتر مساله فقهی است که تردید و شبهه در آن راه نداشته باشد . در بحث داد و ستد ، به هنگام بر پایی نماز جمعه می نویسد :

" فتامل فيه فانك قد علمت ترددي في اكثر مسائل (8) " .

و در جای دیگر می نویسد :

" فاني ما افهم مساله خالية عن شيء من الشبهات الا قليلة من الكثيرات (9) " .

او ، حتی مواردی که اجماعی است ، با این که در برابر اجماع سر فرود می آورد و سرپیچی از آن را کم تر روا می شمارد ، به خلاف مخالفت با شهرت ، در عین حال ، با وجود اجماع در مساله ای ، از نقد و بررسی دلیل ها دست بر نمی دارد .

بار ها می بینیم پس از نقد دلیل ها و شبهه افکنی ها ، می نویسد : " لو لا الاجماع " نظر این بود .

بسیاری از مسائل فقهی که تا زمان محقق اردبیلی مورد پذیرش فقها بوده ، برای نخستین بار به نقد و بررسی

کشیده می شوند و مورد تردید واقع می گردند . در مفتاح الکرامة که دائرة المعارف آرای فقیهان شیعه است ، به موارد بسیاری بر می خوریم که صاحب مفتاح الکرامة ، می نویسد : نخستین بار در این مساله ، اردبیلی تردید کرده است .

صاحب جواهر ، در قاعده لزوم دوری گزیدن از اطراف شبهه محصوره ، می نویسد :

تا پیش از مقدس اردبیلی ، کسی در این قاعده تردید نکرد و فتوا به خلاف آن نداد ، تا آن که مقدس اردبیلی در صحنه فقاقت آشکار شد . او ، برای نخستین بار در مساله تردید کرد :

" فاطر الشك كما هي عادة في كثير من المقامات و تبعه عليه بعض المتأخرين (10) "

فقیهی مانند صاحب جواهر می نویسد : تردید در این گونه موارد ، روش و عادت مقدس اردبیلی است .

بی گمان هر کسی را جسارت چنین کاری نیست ، توانایی می خواهد .

3 . در هم آمیختن تتبع و تحقیق : بی گمان ، کند و کاو ، مقدمه تحقیق است و گام نخست . تا کسی آنچه را گفته اند و دلیل آورده اند ، نبیند و بر آن ها آگاهی نیابد ، نخواهد توانست ضرب آراء کند و به آسانی به حقیقت دست یابد . بدون گوش فرا دادن به سخن ها ، گزینش نیکوتر نشاید . باید " يستمعون القول " باشد تا گزینش درست صورت گیرد .

آنان که در تحقیق توانا نیستند ، در گرداب دیدگاه ها و دلیل های گوناگون ، در می مانند و راه به جایی نمی برند . محقق اردبیلی ، کاوشگری است که کند و کاو را با تحقیق در می آمیزد و نوآوری ها و تازه های تحقیق را ، به عرصه فقه و فقاقت عرضه می دارد .

او ، هم به گفته ها و دیدگاه ها توجه دارد و هم در اقامه دلیل ها ، به جست و جو بر می خیزد و کاوش می کند و با وجود کمبود امکانات و در دسترس نبودن منابع روایی و فقهی ، در هر مساله ای تا آن جا که توانسته کند و کاو کرده و گاه افزون بر دلیل های شناخته شده و معمول ، روایات و آیاتی استناد می کند که تا آن زمان ، جز او کسی بدان ها استناد نکرده است .

او ، چنان به کاوش و بررسی و نقادی می پردازد که هر صاحب نظری را متوجه آثار خود می سازد .

4 . فراخ اندیشی : عرصه دیگر توانمندی محقق ، داشتن ذهن باز و فراخی اندیشه است . محقق توانا کسی است که بتواند در هر موضوعی ، دایره دلیل ها را گسترش دهد . به آنچه دلیل آورده اند ، بسنده نکند ، در جست و جوی آنچه می توان دلیل آورد ، باشد و به هنگام تفریع فروع و برابر سازی اصول بر فروع ، گونه های گوناگون موضوع و تمام زوایای آن را در نظر داشته باشد .

اردبیلی ، فقیهی است که هم در مقام استدلال ذهنی پر تکاپو دارد ، تا آن جا که بتواند برای ثابت کردن اندیشه خویش ، استدلال می کند و هم در مقام برابر سازی ، به کلی گویی بسنده نمی کند . با توجه به واقعیت های اجتماعی زمان خویش ، موضوع را می شکافد ، فروع گوناگون آن را به دست می آورد و حکم متناسب را بیان می دارد .

1 . سعه صدر اردبیلی ، سینه ای فراخ دارد . برای شنیدن سخن مخالف ، نه تنها گوش شنوا دارد که گاه به یاری او می شتابد ، برای ثابت کردن آن ، دلیل اقامه می کند ، آن گاه به نقد او می پردازد . او ، جویای حق است ، هر جا که باشد و از هر کسی که بشنود .

در اخلاق تحقیقی او ، تعصب راه ندارد . تعصب در میدان تحقیق ، باز دارنده او ، از رسیدن به حق است .

او ، باطل بودن مرام و مسلکی را بازدارنده از گزینش سخن خوب صاحبان آن نمی داند . او ، مثل اعلای تقدس و

عشق به ولایت و اهل بیت است ، با این حال ، به آنچه غیر هم مسلکان او دارند ، به دیده گزینش و چگونه بهره گیری از آن می نگرد ، نه آن که يك سره به نفی بپردازد .

در دید باز اردبیلی ، متون روای فقهی اهل سنت ، در خور استفاده اند :

" فلا ینبغی الاعراض عن الاخبار النبویة التي رواها العامة فانها لیس الا مثل ما ذکرنا (11) . "

هم از روایاتی که آنان از پیامبر (ص) نقل کرده اند ، می توان بهره گرفت و هم از روش استنباط و دلیل هایی که در متون فقهی خود ، به کار برده اند .

او ، در بحث خرید و فروش کتاب های فقهی اهل سنت می نویسد :

" گاه برای برخی از شیعیان خریدن آن ها واجب است ، به چند جهت از جمله :

" ... و استنباط الفروع و نقلها و نقل ادلتها ... (12) "

در این منطق ، صاحب اندیشه ای به آسانی تکفیر نمی شود و تنها آن نظریه ای طرد می شود که با نص صریح مخالف باشد .

3 . پرهیز از تقلید تقلید نقطه مقابل تحقیق است . تقلید پیروی از شخص است و تحقیق پیروی از دلیل . هر چند تقلید در جای خود پسندیده است و مورد پذیرش ، ولی در عرصه تحقیق ، تقلید رهن است ، هر چند از بزرگان علم و اندیشه باشد .

اردبیلی ، محقق است که پایه های فکری خویش را بر استدلال و برهان بر افراشته است و اندیشه نا آرامش ، جز در بستر وحی و عقل آرام نمی گیرد .

او با این که به رجال علم ، احترام می گذارد ، به گزاف و شتابزده رای آنان را رد نمی کند و حتی بر استدلال های آنان ، دلیل های دیگر نیز می افزاید ، اما در تابش دیدگاه های آنان ، بهت زده نمی شود و هیچ گاه حرمت بزرگان و مکانت علمی آنان ، مانع از بررسی و نقد آرای آنان نمی شود .

دلیل مداری را بر عناوین رجال پیش می دارد . " ما قیل " را مورد نظر خود قرار می دهد نه " من قال " را . او به صراحت بیان می دارد :

" و اعلم انه لا ینبغی الاكتفاء فی الفتوی بمجرد ما ذکره بعض الاصحاب ... لانه لابد من دلیل و قد لا یکون ما عتقده دلیلا ، دلیلا عند المفتی ... (13) "

بنابراین ، نه فتوا و نظریه بزرگان را بدون بررسی و تحقیق می توان پذیرفت و نه آنچه را که آنان دلیل پنداشته اند ، می توان چشم بسته به دیده قبول نگریست که در وادی تحقیق تقلید کاری است دشوار (14) .

4 . تواضع میان تحقیق و تکبر ، غرور و غرور ، مرز باریکی وجود دارد . بسیار اند کند کسانی که به وادی تحقیق در آیند حریم نگهدارند و پا به مرز تکبر نگذارند ؛ چرا که علم غرور می آورد ، اندک شماند کسانی که در دریای تحقیق فرو روند و بدون غرور سر از آن در آورند . اردبیلی ، پژوهشگری است که با همه توانایی ها و تلاشی که در دست یابی به حقیقت می ورزد .

در پایان می نویسد : این فهم من از دلیل هاست . " اللهم لا تواخذنی بفهمی (15) "

و اگر خود را از رسیدن به حق ناتوان دید ، در کمال شهامت اعلان می کند :

" و المسألة مشکلة و الدلیل قاصر ، و التقليد مشکل و الاعتماد علی ظنی اشکل (16) "

و مهم تر آن که در عین نقد دیدگاه ها و آرای بزرگان ، بسیار احترام به آنان می گذارد . بی پایه بودن دیدگاهی را ، دلیل کوچک شمردن صاحب آن نمی داند .

با آن که در برابر مشهور می ایستد ، رای آنان را در بوته نقد و بررسی قرار می دهد ، با این همه ، می نویسد شاید من سخن آنان را نفهمیده ام ، ممکن است دلیل هایی داشته اند که به دست من نرسیده است و ... محقق اردبیلی ، نه آن گاه که با دلیل های فراوان دیدگاهی را ثابت می کند ، غرور او را می گیرد و نه آن جا که خود را ناتوان می بیند ، تکبر مانع از اعتراف به ناتوانیش می شود و نه به هنگام نقد آرای بزرگان ، آنان را كوچك می شمارد . امید آن که اسوه همه فقه پژوهان گردد .

-
- 1 . " بحار الانوار " ، علامه مجلسی ، ج 1/42 ، مؤسسة الوفاء ، بیروت .
 - 2 . " مقابس الانوار " / 15 ، مقدمه .
 - 3 . " تکملة امل الامل " / 354 .
 - 4 . " مجمع الفائدة " ، ج 3/67 ، انتشارات اسلامی ، وابسته به جامعه مدرسین ، قم .
 - 5 . " همان مدرک " ، ج 11/560 .
 - 6 . " ریحانة الادب " ، ج 3 و 4/393 .
 - 7 . " مجمع الفائدة " ، ج 7/437 .
 - 8 . " همان مدرک " ، ج 2/381 .
 - 9 . " همان مدرک " ، ج 364/ .
 - 10 . " جواهر الکلام " ، ج 1/298 ، دار احیاء التراث العربی .
 - 11 . " مجمع الفائدة " ، ج 8/75 .
 - 12 . " همان مدرک " ، ج 8/76 .
 - 13 . " همان مدرک " ، ج 2/296 .
 - 14 . " همان مدرک " ، ج 1/83 .
 - 15 . " همان مدرک " ، ج 2/147 .